

عنوان مقاله:

بررسی نقش معرفت و بصیرت در انتظار

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره 9، شماره 4 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

نویسنده:

فرهاد ریسی - آموزگار آموزش و پرورش شهرستان نیکشهر

خلاصه مقاله:

اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان(عج) است و طبیعتاً هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام عصر(عج) بیشتر باشد به عظمت آن بزرگوار بیشتر پی خواهد برد. مهدویت و انتظار در رویکرد شیعی، تنها ناظر به آینده نیست؛ بلکه مکتبی تربیتی برای انسان معاصر است و به عنوان نظام تربیتی، اهداف، اصول و روش های خاصی دارد. برای تعیین مبنایی برای هر بحث، ضروری است در گام نخست، مفاهیم بستر ساز آن بحث تبیین گردد تا بر اساس آن، سایر مسائل طرح و بررسی شوند. برای بحث درباره انتظار، بازشناسی مفهوم غیبت، ماهیت و چیستی ظهور، از ضروریات است. اعتقاد به غیبت امام از واجبات اعتقاد به مهدویت است، اما به شرط آن که این اعتقاد، صحیح و اصولی باشد نه این که مفهوم رها شدگی انسان و پیوند نداشتن با حجت الهی را به او القا کند. اعتقاد صحیح به غیبت می تواند در انسان، انرژی، تحرک و عشق و شوق ارتباط با امام غایب را ایجاد نماید. غیبت امام زمان(عج) غیبت شخصیت اوست نه غیبت شخص او، و امری معرفتی است نه وجودی. در آموزه های دینی، تاکید شده که ایشان در جامعه و در میان مردم زندگی می کنند؛ مردم امامشان را نمی یابند، اما او در مواضع حج حاضر می شود؛ او مردم را می بیند ولی مردم او را نمی بینند شخص او در میان مردم دیده می شود، اما شخصیت او پنهان است. پس غیبت امام به معنای زندگی ایشان در یک جهان ماوراء نیست، بلکه وصف غایب درباره وجود مبارک امام به سبب محرومیت جامعه انسانی از درک محضر ایشان است که این امر، خود از مراتب پایین معرفتی مردم به جایگاه و شخصیت امام زمان(عج) نشأت می گیرد. حکمت غم انگیز برای غیبت امام زمان، تادیب خلق و تهذیب جامعه است به معنای حقیقی، یا به معنای غم انگیز آن محرومیت جامعه است آن هم به لحاظ تجربه تاریخی بشر و سابقه ای که انسان ها از خود نشان داده اند. اگرچه غیبت ظاهراً یک محرومیت است، اما در حقیقت هشدار و بیدار بانی برای رهاندن انسان از جهل مرکبش درباره مقام امام و تصحیح ارتباط با حجت خداست؛ زیرا آن گاه که افراد، سعادت زیارت و شناخت جسمی امام را داشتند نیز از شناخت حقیقت امام غافل بودند و بهره لازم را از وجود ایشان کسب نمی کردند. از این رو خداوند منان غیبت را مقدر فرمود تا تعادل و آرامش توهمی افراد متزلزل شود و انسان ها بر اثر این فقدان ظاهری به تکاپو و تلاش برخیزند و بدین ترتیب موهبت انتظار در جان مومنان شکوفا شود. با توجه به احادیث مربوط به ظهور می توان دریافت که ظهور، امری است که افزون بر خواست الهی، اراده انسان و جامعه انسانی نیز در تحقق آن موثر است و تا زمانی که انسان و جامعه انسانی قابلیت لازم را احراز نکند، رخ نمی دهد و همین اعتقاد به عاملیت انسانی است که انتظار شیعی را از حالت انفعالی خارج کرده و به فرهنگی پویا مبدل می کند. اهداف انتظار با توجه به مباحث فوق در سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری قرار می گیرند.

کلمات کلیدی:

معرفت، بصیرت، انتظار

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1971099>

